

تبیین مفهومی «انقلاب‌های بزرگ»: بازشناسی عناصر اصلی و ویژگی‌های بین‌المللی

مسعود اخوان کاظمی*

چکیده

انقلاب‌های بزرگ علاوه بر ایجاد تغییرات سیاسی - اجتماعی در درون یک کشور، باعث بروز تحولاتی در ساختار حاکم بر روابط بین‌الملل و رفتار بازیگران اصلی نظام جهانی می‌شوند. بر این اساس، انقلاب‌های بزرگ گسترش امواجی از انقلابی‌گری و ضد انقلابی‌گری در نظام بین‌الملل به دنبال دارند. مقاله حاضر ضمن ارائه شاخصه‌هایی برای انقلاب‌های بزرگ، مدعی است با مطالعه و بررسی عناصر اصلی و ویژگی‌های بین‌المللی چهار انقلاب فرانسه، روسیه، چین و ایران که از جمله انقلاب‌های بزرگ دوران مدرن‌اند. می‌توان معیارها و اصولی برای شناخت انقلاب‌های بزرگ و تفکیک آنها از سایر انقلاب‌ها ارائه کرد. در این میان، انقلاب اسلامی ایران به دلیل تأکید بر دین و معنویت‌گرایی، نسبت به سایر انقلاب‌های بزرگ از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که پس از گذشت چهار دهه از پیروزی این انقلاب، همچنان شاهد تأثیرات و پیامدهای خارجی آن در سطوح منطقه‌ای و جهانی هستیم. تحولات گسترده سیاسی اخیر در کشورهای منطقه غرب آسیا این ادعا را به خوبی به اثبات می‌رساند.

واژگان کلیدی

انقلاب‌های بزرگ، ایدئولوژی، نظام بین‌الملل، جهان وطنی‌گرایی.

mak392@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۲۰

*. عضو هیئت علمی دانشگاه رازی.

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۵

طرح مسئله

انقلاب‌های بزرگ بیش از آنکه رویدادهایی داخلی باشند، تحولات بین‌المللی محسوب می‌شوند که به دگرگونی‌های عمیقی در سیستم جهانی و روابط بین‌الملل منجر می‌شوند. در واقع به‌دنبال پیروزی یک انقلاب بزرگ، یکی از بازیگران معمولاً مهم صحنه بین‌المللی (رژیم سابق) از صحنه کنار رفته و بازیگر جدیدی (رژیم انقلابی) به‌جای آن وارد عرصه بین‌المللی می‌شود. این بازیگر جدید بلافاصله قواعد و بنیان‌های سیستم بین‌المللی را مورد انتقاد قرار داده و در صدد تغییر و دگرگونی آن برمی‌آید. بدیهی است که موضع‌گیری‌های دولت‌ها در قبال رژیم انقلابی، با موضوعی که آنها در برابر رژیم سابق داشته‌اند، متفاوت خواهد بود. از این‌رو ورود چنین بازیگر جدیدی در روابط بین‌المللی می‌تواند تحولات عمیقی را هم در جهت‌گیری‌ها و رفتارهای رژیم جدید در قبال جهان خارج و هم در گرایش‌ها و سیاست‌های دولت‌های دیگر و جامعه بین‌المللی در برابر رژیم انقلابی ایجاد کند.

انقلاب‌های بزرگ به‌عنوان قطب‌های قدرت جدیدی که در صحنه بین‌المللی ظاهر می‌گردند، مدعی ارائه نظم نوینی با مبانی مشروعیت جدید می‌شوند. بنابراین آنها ضمن نفی اصول و قواعد حاکم بر سیستم بین‌الملل و به چالش کشیدن موقعیت برتر قدرت‌های حاکم بر نظام بین‌المللی، خواهان تغییر و تجدید نظر در ساختار و مناسبات حاکم بر نظام جهانی و ایجاد نظامی جهان‌شمول با محوریت ایدئولوژی خود می‌شوند. از سوی دیگر، به‌دنبال بروز انقلاب‌های بزرگ، اتحادها و ائتلاف‌های موجود بین کشورها از هم فرو می‌پاشند و گروه‌بندی‌های جدیدی در بین کشورها شکل می‌گیرند؛ روابط بین قدرت‌ها و موازنه قوای فی‌مابین آنها تغییر می‌کند و استراتژی‌های دولت‌ها بر مبنای داده‌های جدید تعدیل می‌شوند و قطب‌های قدرت جدیدی در صحنه بین‌المللی ظاهر می‌شوند. جنگ‌ها و منازعات مسلحانه جدید نیز از جمله پیامدهای «طبیعی» چنین انقلاب‌هایی به‌شمار می‌روند. خلاصه اینکه، رویدادی که در نگاه اول به‌عنوان یک تحول داخلی در بطن یکی از اعضای جامعه بین‌المللی تلقی می‌شود، خیلی زود پیامدها و اثراتی فرامرزی پیدا خواهد کرد. بدین ترتیب، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های همه انقلاب‌های بزرگ، ابعاد و تأثیرات بین‌المللی آنها می‌باشد.

هدف و اهمیت پژوهش

علی‌رغم اهمیت قابل ملاحظه‌ی مبحث مربوط به انقلاب‌های بزرگ و تأثیرات و پیامدهای آنها، مطالعات و بررسی‌های بسیار اندکی در این خصوص صورت گرفته است. طی قرن‌ها، متفکران بزرگی از افلاطون، ارسطو، هابز و لاک گرفته تا توکویل و مارکس و بسیاری دیگر از اندیشمندان به تحلیل و بررسی علل و

خاستگاه‌های انقلاب‌ها پرداخته‌اند و هزاران اثر سیاسی به مطالعه ریشه‌ها و منشأ قیام‌های مردمی و انقلاب‌ها و یا فرآیند و نتایج داخلی آنها اختصاص پیدا کرده‌اند و در صدد برآمده‌اند تا به سؤالاتی از این قبیل پاسخ دهند که: چرا و چگونه انقلاب‌ها متولد می‌شوند؟ در چه شرایطی انقلاب‌ها به پیروزی می‌رسند؟ انقلاب‌ها چه انواع مختلفی دارند؟ انقلابیون مختلف در طی چه پروسه‌ای به قدرت دست پیدا می‌کنند؟ در راستای پاسخ به این سؤالات و فهم و درک بهتر پدیده‌های انقلابی، تئوری‌های متعددی نیز شکل گرفته و تبیین شده‌اند. آثار بسیار متعددی نیز در جهت توضیح و تحلیل آثار و پیامدهای اجتماعی - سیاسی انقلاب‌ها در مقیاس داخلی ارائه گردیده‌اند. اما با این وجود، به طرز تعجب‌آوری مبحث مربوط به عناصر اصلی و ویژگی‌های بین‌المللی انقلاب‌های بزرگ و تأثیرات و نتایج خارجی ناشی از این انقلاب‌ها مغفول مانده است. از این‌رو در این پژوهش سعی شده است تا با بررسی و مطالعه انقلاب‌های بزرگ و معرفی عناصر اصلی و ویژگی‌های بین‌المللی آنها، الگویی برای شناسایی این انقلاب‌ها طراحی و ارائه شود. در واقع، نوآوری پژوهش حاضر در ارائه شاخصه‌هایی عینی و مبتنی بر واقعیت‌های تاریخی می‌باشد که بر اساس آنها می‌توان انقلاب‌های بزرگ و فراملی را از انقلاب‌های ملی متمایز نمود و به‌صورتی تطبیقی به مقایسه گرایش‌ها و رفتارهای خارجی و بین‌المللی انقلاب‌های بزرگ با یکدیگر پرداخت.

سؤال پژوهش

این مقاله در صدد پاسخگویی به این سؤال است که انقلاب‌های بزرگ چه ویژگی‌هایی دارند و با چه شاخصه‌هایی می‌توان آنها را شناخت؟ و اساساً نقاط تمایز آنها با سایر انقلاب‌ها چیست؟ مدعای نوشتار حاضر این است که تنها تعداد بسیار اندکی از انقلاب‌ها را می‌توان در مقوله «انقلاب‌های بزرگ» طبقه‌بندی نمود. در واقع، انقلاب‌های بزرگ پدیده‌هایی نادر و کمیاب هستند. این انقلاب‌ها به‌عنوان نقاط عطفی مهم در تاریخ تحولات جامعه بین‌المللی محسوب می‌شوند و باعث ایجاد تحولات گسترده و عمیقی در سطح جهانی می‌گردند؛ به گونه‌ای که آثار و پیامدهای حاصل از چنین انقلاب‌هایی هنوز هم پس از سال‌ها و قرن‌ها، در جامعه بشری و در زندگی سیاسی در عرصه بین‌المللی تأثیرگذار هستند.

چارچوب نظری

قرن بیستم را به‌دلیل وقوع انقلاب‌های متعدد در آن، قرن انقلاب‌ها نامیده‌اند. به جرأت می‌توان گفت که تا پیش از آغاز این قرن، انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ تنها «انقلاب کبیر» جهان محسوب می‌شد. اما با شروع قرن بیستم، انقلاب‌های متعددی در کشورهای مختلف جهان رخ داد که برخی از آنها عناصر و

شاخصه‌های یک انقلاب بزرگ را دارا هستند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان از انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷، انقلاب چین در سال ۱۹۴۹ و انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ نام برد. تعدد انقلاب‌ها در این دوران، موجب شکل‌گیری تئوری‌های مختلفی در خصوص تبیین علل، فرآیندها و نتایج این پدیده‌ها گردید و صاحب‌نظران متعددی اندیشه‌ها و نظریاتی را در زمینه انقلاب و مسائل مرتبط با آن ارائه نمودند. از میان متفکران و اندیشمندان سیاسی که به بررسی پدیده انقلاب پرداخته‌اند، تنها تعداد اندکی از آنها ابعاد بین‌المللی انقلاب‌های بزرگ و تحولاتی که این پدیده‌های سیاسی در عرصه بین‌المللی ایجاد می‌کنند را مورد توجه قرار داده‌اند.

برجسته‌ترین متفکری که به بررسی تأثیرات فراملی انقلاب‌ها پرداخته، فرد هالییدی است. او از انقلاب‌هایی که ضمن ایجاد تحول و دگرگونی در ساختار سیاسی حکومت، باعث ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختارهای بین‌المللی می‌گردند، تحت عنوان «انقلاب بزرگ» یاد می‌کند. در واقع از نظر هالییدی، انقلاب‌های بزرگ معیارهای مشروعیت نوینی را در مقیاس بین‌المللی مطرح می‌سازند که ساختار متعادل و همگون نظام بین‌المللی را زیر سؤال برده و خواستار بازسازی اصول و بنیادهای حاکم بر جامعه بین‌المللی و بازنگری در معادلات موجود می‌گردند. در چنین شرایطی طبیعی است که بروز چنین انقلاب‌هایی موجی از نگرانی را در سطح بین‌المللی ایجاد کند. بر این اساس، بازیگران اصلی نظام بین‌المللی به شدت از وقوع انقلاب‌های مشابه احساس هراس می‌کنند و از نفوذ ایده‌های انقلابی به داخل مرزهای خود نگران می‌شوند. (Halliday, 1999: 45 - 49)

در این مقاله با استفاده از چارچوب نظری مبتنی بر دیدگاه فرد هالییدی در خصوص انقلاب‌های بزرگ به تبیین عناصر اصلی و ویژگی‌های بین‌المللی انقلاب‌های بزرگ و تأثیراتی که این انقلاب‌ها بر نظام بین‌الملل بر جا می‌گذارند، با توجه به چهار انقلاب بزرگ جهان (انقلاب فرانسه، روسیه، چین و ایران) پرداخته خواهد شد.

الف) عناصر اصلی انقلاب‌های بزرگ

۱. ایدئولوژی فراگیر جهانی

وجود یک ایدئولوژی عام و فراگیر مدعی حل مشکلات بشری و ارائه آینده‌ای ایدئال برای همه انسان‌ها، از شاخصه‌های همه انقلاب‌های بزرگ محسوب می‌شود. انقلابیون با وفاداری به مبانی ایدئولوژیک خود تلاش می‌کنند تا دکتترین جدید، قواعد نوین و فلسفه سیاسی تازه‌ای را در عرصه بین‌المللی وارد سازند. در واقع آنها با نابود کردن ساختار سیاسی - اجتماعی رژیم سابق و ایجاد نهادهای سیاسی و فرآیندهای حکومتی جدیدی، در جهت ساخت و استقرار نظم نوینی در مقیاس جهانی بر می‌آیند.

همان‌گونه که اسکاچپول اعلام می‌دارد، ایدئولوژی‌های انقلابی و پیروان آنها از جمله عناصر اصلی و کلیدی انقلاب‌های بزرگ محسوب می‌شوند. (Theda, 1985: 230)

هر چهار انقلاب بزرگ مورد مطالعه در این مقاله، دارای ایدئولوژی‌هایی فراگیر و جهانی بوده‌اند. ایدئولوژی‌های انقلاب‌های بزرگ خود را قادر می‌بینند که بشریت را نجات بخشیده و وضعیت دنیای نامطلوب کنونی را متحول سازند. در واقع انقلاب‌های بزرگ خود را به‌عنوان گسستی عظیم بین دنیای فاسد گذشته و جهان جدید و پر از امید آینده معرفی می‌کنند. به تدریج با تحکیم قدرت انقلابیون در داخل، چشم اندازی ایدئال و نظری از روابط بین‌الملل توسط ایدئولوژی انقلابی ارائه می‌شود و انقلابیون بر مبنای آن تلاش می‌کنند تا مناسبات موجود در صحنه بین‌المللی و در نظام جهانی را بر مبنای این چشم‌انداز متحول سازند.

بر این اساس، انقلاب فرانسه با طرح مفاهیم حقوق طبیعی و حقوق بشر، ایدئولوژی عام و فراگیری را برای خود به‌عنوان یک انقلاب بزرگ انتخاب نمود. انقلابیون روسیه با تمسک به مارکسیسم به‌عنوان یک ایدئولوژی فرامرزی، خود را مدافع و پیشتاز طرح و گسترش آن معرفی نمودند. همچنین در انقلاب چین، نسخه منحصر بفرد و خاصی از مارکسیسم که برگرفته از برداشتها و تفاسیر ویژه مائو از این مکتب بود، به‌عنوان ایدئولوژی نجات‌بخش این انقلاب و سایر ملل توسعه‌نیافته در جهان سوم ارائه گردید؛ و سرانجام در انقلاب اسلامی ایران، اسلام به‌عنوان یک دین جهانی که می‌تواند سعادت و کمال مادی و معنوی انسان‌ها را در سراسر جهان تأمین نماید، جایگاه اصلی را در متن ایدئولوژی جهانی وطنی‌گرایانه این انقلاب به خود اختصاص داده است.

۲. اهداف، پیامدها و ابعاد بین‌المللی

درواقع یکی از راه‌های شناخت انقلاب‌های بزرگ و یکی از عناصر اصلی آنها، ابعاد و پیامدهای این انقلاب‌ها در مقیاس بین‌المللی است. به‌عبارت‌دیگر، این انقلاب‌ها آثار و تبعات گسترده‌ای در فراتر از مرزهای خود ایجاد می‌کنند. آنها همگونی ایدئولوژیکی نسبی موجود در سیستم بین‌المللی را مخدوش کرده و اساساً نظم موجود در عرصه جهانی را به چالش می‌کشند. نتیجه این چالش هر چه که باشد، اقدامات انقلابیون در تقابل با نظم موجود بین‌المللی باعث برانگیخته شدن عکس‌العمل‌های گسترده و متفاوتی از سوی دولت‌هایی می‌شود که به شدت از «وضعیت موجود» حفاظت و حمایت می‌کنند.

بنابراین همواره به دنبال بروز انقلاب‌های بزرگ، تغییر و تحولات کم و بیش عمده و گسترده‌ای در بطن نظام بین‌المللی شکل خواهد گرفت. معادلات قدرت بین بازیگران جهانی پس از پیروزی انقلاب‌های بزرگ دچار تغییرات قابل توجهی می‌شوند. تغییر و تحول در اتحادها و ائتلاف‌های بین

کشورها و تغییر اردوگاه برخی از آنها و همچنین بروز جنگ‌ها و منازعات مسلحانه نیز از جمله تبعات خارجی انقلاب‌های بزرگ محسوب می‌شوند. نظام بین‌المللی که مبانی آن توسط انقلاب‌های بزرگ به زیر سؤال می‌رود نیز از طریق اعضای خود و به‌ویژه بازیگران اصلی آن در صدد بر می‌آید تا با چالش‌هایی که توسط رژیم انقلابی بر علیه آن شکل گرفته است به مقابله بر خیزد.

با در نظر گرفتن دو معیار مذکور می‌توان به این نتیجه دست یافت که عملاً می‌توان انقلاب کبیر فرانسه را نقطه آغاز شکل‌گیری یک انقلاب بزرگ در نظر گرفت؛ چرا که این انقلاب اولین انقلاب دوران مدرن است که هم دارای یک ایدئولوژی فراگیر بوده است و هم آثار و پیامدهای فرامرزی گسترده‌ای داشته است.^۱ در مورد انقلاب سال ۱۶۸۸ انگلستان و انقلاب سال ۱۷۷۶ آمریکا باید گفت که با در نظر گرفتن معیارهای ذکر شده، این دو انقلاب را نمی‌توان از جمله انقلاب‌های بزرگ تلقی کرد؛ زیرا انقلاب انگلستان یک انقلاب دارای ابعاد و پیامدهایی صرفاً داخلی بوده و تأثیرات و نتایج فرامرزی و بین‌المللی نداشته است. انقلاب سال ۱۷۷۶ آمریکا نیز یک انقلاب جدایی‌طلبانه بوده و صرفاً به جدا شدن سیزده مستعمره انگلستان از این کشور انجامیده و فاقد ابعاد و تأثیرات جهانی گسترده بوده است. درعین‌حال هر دو انقلاب مذکور فاقد یک ایدئولوژی فرامرزی یا جهانی بوده‌اند. این در حالی است که بر خلاف این دو انقلاب، انقلاب فرانسه عناصر جدید و مفاهیم نوینی را در ادبیات سیاسی بین‌المللی مطرح ساخت. این انقلاب با دارا بودن یک دکترین انقلابی جهانی، در صدد ایجاد تأثیراتی فراملی در عرصه بین‌المللی بود و توانست نه تنها تحولاتی اساسی و بنیادین در ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در داخل جامعه فرانسه به وجود آورد بلکه پیامدها و تأثیرات گسترده‌ای را نیز در جامعه جهانی ایجاد نمود.

انقلاب بلشویکی سال ۱۹۱۷ را نیز به‌سادگی می‌توان در ردیف انقلاب‌های بزرگ قرار داد؛ زیرا که این انقلاب ضمن دارا بودن یک ایدئولوژی جهانی، از ابعاد و پیامدهای بین‌المللی گسترده‌ای برخوردار بود و توانست معادلات قدرت را در صحنه جهانی به شکل قابل توجهی تغییر داده و همگونی ایدئولوژیکی موجود در سیستم بین‌المللی را بر هم بزند.

انقلاب سال ۱۹۴۹ چین نیز بر اساس دو معیار مذکور یک انقلاب بزرگ محسوب می‌شود. این انقلاب با اتکاء به ایدئولوژی مارکسیستی به‌عنوان یک دکترین فراگیر و جهانی، توانست تأثیرات قابل توجهی را در مقیاس جهانی و به‌ویژه در جهان سوم ایجاد نماید.

۱. پیتر کالورت در این زمینه اعلام می‌کند که: «از بعد از پیروزی انقلاب سال ۱۷۸۹ فرانسه است که اصطلاح انقلاب به‌طور خاص در معنای «بروز تغییراتی بنیادین در ساختارهای سیاسی - اجتماعی یک دولت که می‌توانند برانگیزنده بروز تحولاتی مشابه در کشورهای دیگر باشند»، به کار گرفته شد.» (Calvert, 1984: 1)

انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ ایران نیز با دارا بودن یک ایدئولوژی جهانی که از مرزهای ملی فراتر می‌رود و با اهداف و آرمان‌هایی بین‌المللی، در ردیف انقلاب‌های بزرگ طبقه بندی می‌شود.^۱ علاوه بر تأثیرات این انقلاب در زمینه بروز تغییراتی در معادلات قدرت در هنگام پیروزی آن، این حادثه منجر به جنگی در مقیاس منطقه‌ای شد و واکنش‌های خشونت‌باری از سوی تعدادی از دولت‌ها و به‌ویژه آمریکا را علیه خود برانگیخت. این انقلاب ضمن به چالش کشیدن نظام بین‌الملل، مواضع قدرت‌های جهانی را نیز مورد انتقاد قرار داده و طرفداری خود را از «نجات تمامی مستضعفین جهان از تحت سلطه دولت‌های ظالم» اعلام نموده است.

ب) شاخصه‌های بین‌المللی انقلاب‌های بزرگ

در این بخش از پژوهش، پس از شناخت عناصر اصلی انقلاب‌های بزرگ، تلاش خواهد شد تا ویژگی‌های بین‌المللی این انقلاب‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار داده شوند و به‌خصوص دیدگاه‌های آنها در مورد نظام جهانی و سیستم بین‌المللی در دوران جدید پسا انقلابی تشریح شوند.

۱. طرح آرمان‌ها و شعارهای جهانی

با مطالعه تاریخ انقلاب‌های بزرگ و به‌ویژه مراحل اولیه آنها متوجه خواهیم شد که در اکثر موارد شعارهای مشابهی از سوی انقلابیون در همه انقلاب‌های بزرگ تکرار می‌شوند و اهداف و آرمان‌های مشترکی نیز توسط رژیم‌های حاصل از این انقلاب‌ها مطرح می‌گردند. در واقع بخش مهمی از شعارها، بیانات و اهداف این انقلابیون، به جهان خارج اختصاص پیدا می‌کند؛ چراکه آنها در صددند تا آنجا که امکان دارد مردم و ملت‌های دیگر را در فراتر از مرزهای خود تحت تأثیر قرار داده و بروز تغییرات تحولات مشابهی را نیز در جوامع دیگر و در سیستم بین‌الملل تحریک و تشویق نمایند و زمینه تحقق اهداف جهانی انقلاب خود را در مقیاسی گسترده‌تر فراهم سازند. برخی از مهم‌ترین آرمانها و ادعاهای مشترک این انقلاب‌ها را می‌توان به شرح زیر مورد اشاره قرار داد:

یک. فرا رسیدن عصری جدید

دستیابی به یک دنیای نو و یک آرمان شهر جدید از طریق در هم شکستن نظم موجود و ایجاد تغییر و تحولات بنیادین، سابقه‌ای طولانی در آمال بشری و اندیشه‌ورزی‌های متفکرین و فلاسفه دارد.

۱. پل بالتا روزنامه نگار برجسته نشریه «لوموند» در مورد انقلاب ایران چنین می‌نویسد: «من انقلاب ایران را بزرگ‌ترین قیام دوران مدرن تلقی می‌کنم». (Haghighat, 1985)

انقلاب‌های بزرگ نیز مدعی می‌شوند که پیروزی آنها سرآغاز استقرار و تأسیس یک دوران جدید خواهد بود که در آن، بشریت سرانجام خوشبختی و سعادت نهایی خود را باز خواهد یافت؛ عصر جدیدی که بدبختی از روی زمین بر چیده خواهد شد و به‌خصوص در هنگامی که برنامه‌ها و پروژه‌های انقلاب در مقیاسی جهانی تحقق پیدا کنند، ملت‌های دیگر نیز طعم خوشبختی و سعادت را خواهند چشید و آنها نیز همانند اتباع رژیم انقلابی، که از هم اکنون از مزایا و دستاوردهای مثبت انقلاب بهره مند شده‌اند، از آثار سعادت انگیز آن منتفع خواهند شد.

درواقع، انقلابیون مطمئن هستند که ایجاد یک جامعه ایدئال که در آن بشر بتواند در شرایطی مطلوب به تکامل و رشد و سعادت مورد نظر خود برسد، کاملاً امکان‌پذیر است.^۱ در این دوران جدید، انسان شأن واقعی و فضائل حقیقی خود را باز خواهد یافت و از اجبارها و فشارهایی که توسط بدطینتان و ظالمان (چه شاهان مستبد و چه دیکتاتورهای امپریالیستی و یا کاپیتالیستی) به او تحمیل شده بودند، آزاد و رها خواهد گردید. این دوران طلایی جدید، در انقلاب فرانسه با صدور «اعلامیه حقوق بشر و شهروندی» و سپس با اعلام اصول و مبانی حاکمیت ملی که ملت را منشأ حاکمیت می‌دانست،^۲ آغاز گردید. انقلابیون روسیه نیز به نوبه خود ادعا می‌کردند که به دنبال پیروزی انقلابشان، بشریت از منازعات اقتصادی و اجتماعی رها و آزاد خواهد گردید و تمدنی مشترک را بوجود خواهد آورد که بر علم و عقلانیت و مساوات مبتنی خواهد بود.

در خصوص اصول و معیارهای انقلابی باید خاطر نشان ساخت که در اکثر انقلاب‌های بزرگ این ادعا مطرح می‌شود که ایده‌ها و اندیشه‌های جدیدی ارائه می‌شوند که تا قبل از این اساساً وجود نداشته و مطرح نشده‌اند.^۳ البته انقلاب‌های بزرگی نیز وجود دارند که اعلام می‌دارند در صدد احیای اصول و ارزش‌هایی هستند که در طی زمان یا فراموش شده‌اند و یا توسط دشمنان بشریت

۱. همان‌گونه که بینتون می‌گوید: «هیچ انقلابی بدون اعتقاد به امکان تکامل و سعادت بشر، وجود ندارد». (Brinton, 1952: 13)

۲. اصل ۲۵ از قانون اساسی سال ۱۷۹۳ فرانسه.

۳. حتی در مورد برخی از این انقلاب‌ها، ناظران و اندیشمندان اعلام می‌کنند که انقلاب مورد نظر «بی سابقه» است. به‌عنوان مثال می‌توان به اظهار نظر پل بالتا از نویسندگان نشریه لوموند در خصوص انقلاب اسلامی ایران اشاره نمود که می‌گوید: «من با درکی که از این انقلاب پیدا کرده‌ام، معتقدم که این انقلاب از هیچ مدل انقلابی دیگری تبعیت نمی‌کند و در هیچ یک از قالب‌های انقلاب‌های کمونیستی و یا انقلاب‌های جهان سومی و یا انقلاب‌های دیگر قرار نمی‌گیرد و با این قالب‌ها قابل تحلیل و ارزیابی نیست». (Haghighat, 1985: 203)

دوتوکویل نیز در زمینه انقلاب فرانسه می‌نویسد: «انقلاب فرانسه در خارج از مرزها موضوع توجه و کنجکاوای ملت‌های دیگری شده بود و در همه جا در اذهان مردم این ایده شکل گرفته بود که عصر جدیدی آغاز شده که کاملاً با دوران پیشین متفاوت است». (دوتوکویل، ۱۳۶۵: ۹۷)

تحریف گردیده‌اند.^۱ برخی از انقلابیون نیز مدعی می‌شوند که قواعد و معیارهای سعادت بشریت را کشف کرده‌اند^۲ و یا درمانی نهایی برای تمامی دردها و مصائب جوامع انسانی را پیدا نموده‌اند. به همین دلیل است که انقلابیون نظام فکری و ایدئولوژیک موجود را به زیر سؤال برده و اعلام می‌دارند که این وضعیت محکوم به نابودی اجتناب‌ناپذیر است و عصر جدیدی که سرشار از خوشبختی و سعادت می‌باشد، فراخواهد رسید. درعین حال علی‌رغم واکنش‌های متفاوت جهان خارج و قضاوت‌های معمولاً متناقضی که نسبت به انقلاب‌های بزرگ و دستاوردهای آنها صورت می‌گیرند،^۳ انقلابیون شدیداً بر این نکته پافشاری می‌کنند که انقلاب آنها سرآغاز یک مقطع جدید و عصری نوین در تاریخ بشریت است و به همین دلیل با اقداماتی سمبلیک، همان گونه که هانا آرنت در اثر معروف خود می‌نویسد، این دوران نوین را ترسیم می‌کنند. آرنت معتقد است که «ایجاد یک تقویم و مبدأ تاریخی جدید توسط انقلابیون بر مبنای سال اعدام پادشاه و یا زمان اعلام شروع نظام جمهوری به‌عنوان سال اول، بخوبی نشان می‌دهد که انقلاب‌ها آغازگر دوران جدیدی محسوب می‌شوند.» (Arendt, 1967: 37)

دو. تقسیم جهان به دو اردوگاه

به تدریج که انقلابیون پیروزی خود را بر رژیم سابق تحکیم و تثبیت می‌کنند، به اعلام دیدگاهی می‌پردازند که بر اساس آن، جهان به دو اردوگاه بزرگ متخاصم و آشتی‌ناپذیر تقسیم می‌شود که عبارتند از اردوگاه جهان فاسد و تجسم شر و بدی مطلق و اردوگاه دنیای فضائل و خوبی‌ها که توسط رژیم انقلابی و تمامی حامیان و طرفداران آن نمایندگی می‌شود. رژیم انقلابی با معرفی دشمن به‌عنوان نماد تمام شرارت‌ها و بدی‌ها و ناپاکی‌های جهان و معرفی خویش به‌عنوان پرچم‌دار تمامی فضیلت‌های پایمال شده و خوبی‌های سرکوب شده، نه تنها جان و رمق تازه‌ای به حرکت انقلابیون می‌بخشد بلکه نقش جدیدی را برای خود در عرصه بین‌المللی تعریف می‌کند که عبارت است از رهبری نبردی جهانی علیه تمام بدی‌هایی که در اردوگاه دشمنان انقلاب تجسم پیدا می‌کنند.

۱. به‌عنوان مثال می‌توان از دیدگاه امام خمینی در مورد احیای اسلام توسط انقلاب اسلامی ایران یاد کرد که اعلام می‌داشت: «از دوازده قرن پیش تاکنون، اسلام مرده بود. ما با خون جوانانمان حیاتی دوباره به اسلام بخشیدیم.» (به نقل از: Caruchet, 1987: 105)

۲. هنری کیسینجر در مورد انقلابیون شوروی چنین می‌نویسد: «مارکسیست - لنینیست‌ها مطمئن هستند که فرآیند تاریخ را از جهان غیرکمونیست بهتر می‌فهمند.» (Kissinger, 1970: 39)

۳. توکویل در اثر معروف خود، «انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن» معتقد است که «برخی انقلاب فرانسه را مظهر عمل شیطان در زمین تلقی می‌نمایند در حالی که دیگران آن را عنایتی الهی محسوب می‌کنند که نه تنها باعث سعادت فرانسه خواهد شد بلکه خوشبختی بشریت را نیز به ارمغان خواهد آورد.» (توکویل، ۱۳۶۵: ۱۰۰)

تقسیم بشریت توسط انقلابیون به دو اردوگاه متخاصم، در عبارات و اصطلاحات متفاوتی نظیر «مستکبرین» و «مستضعفین»، «امپریالیست‌ها» و «ضد امپریالیست‌ها»، «سرمایه‌داران» و «سوسیالیست‌ها» و یا «انقلابیون» و «ضد انقلابیون» تجلی پیدا می‌کند.^۱ این تقسیم‌بندی به‌خوبی در «قانون بنیادی» اتحاد جماهیر شوروی سال ۱۹۲۴ نشان داده شده است. این قانون اعلام می‌داشت:

از زمان شکل‌گیری اتحاد جماهیر شوروی، دولت‌های جهان به دو اردوگاه تقسیم شده‌اند: یکی اردوگاه سرمایه‌داری و دیگری اردوگاه سوسیالیسم. در اردوگاه سرمایه‌داری جز نفرت و کینه و نابرابری، برده‌داری استعماری و تفوق‌طلبی و سرکوب ملت‌های ضعیف و زورگویی و جنگ امپریالیستی وجود ندارد؛ درحالی‌که اینجا در اردوگاه سوسیالیسم، اعتماد متقابل و صلح، آزادی ملی و مساوات، همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری برادرانه بین ملت‌ها موجود است.^۲

پس از تأکيدات رژیم انقلابی در خصوص ضرورت مبارزه همه‌جانبه علیه دشمنان انقلاب، ایده دیگری توسط انقلابیون مطرح می‌گردد که بر اساس آن، سرنگونی و نابودی نهایی یکی از این دو اردوگاه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.^۳ بر همین اساس آنها چنین نتیجه می‌گیرند که در نهایت یک مبارزه سخت و خشونت‌بار بین دو بلوک بزرگ جهانی در خواهد گرفت و همه مشاهده خواهند کرد که در پایان این مبارزه، اردوگاه خوبی‌ها و فضیلت‌ها بر اردوگاه شر و رذیلت‌ها پیروز خواهد گردید.

سه. تاکید بر جهان‌وطنی‌گرایی

نقطه مشترک دیگر بین انقلاب‌های بزرگ، اعتقاد آنها به جهان‌وطنی‌گرایی است که مفهومی محوری را در عقاید و رفتارهای آنها تشکیل می‌دهد. آنها با طرح این مفهوم، امکان بهره‌مندی تمامی ملت‌های دیگر را از منافع و برکات انقلاب خود مورد اشاره قرار می‌دهند. درواقع انقلابیون مطمئن هستند که

۱. به‌عنوان مثال امام خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، اعلام می‌کرد که: «از زمان پیدایش عالم همواره دو حزب در مقابل هم قرار داشته‌اند یکی حزب خدا و دیگری حزب شیطان؛ و همه آثار و اقدامات این دو حزب کاملاً با هم متضاد هستند». (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۱۷ / ۱۳۲)

۲. Duverger, 1957: 627-628؛ حتی انقلابیون در کشور کوچکی چون یمن جنوبی چنین تمایز و تفکیکی را فیمابین دو اردوگاه جهانی مطرح ساخته‌اند. در بیانیه فرماندهی کل رژیم انقلابی، رهبران انقلاب یمن اعلام کردند که سیستم بین‌المللی معاصر از دو اردوگاه کاپیتالیسم و استعمار در یک طرف و سوسیالیسم و نهضت‌های آزادی‌بخش ملی در طرف دیگر ترکیب یافته است. (رجوع شود به: Halliday, 1990 (B): 22-23)

۳. لنین در نوشته‌های خود چنین اعلام می‌کرد: «ما در جهانی زندگی می‌کنیم که موجودیت اتحاد جماهیر شوروی در کنار دولت‌های امپریالیستی در درازمدت غیر ممکن خواهد بود. در نهایت یکی از این دو می‌بایست پیروز شود». (Leben, 1990: 20)

اصول و معیارهای انقلابشان قابلیت انطباق بر جوامع دیگر را دارند و سایر ملت‌ها نیز از این توانایی برخوردار هستند که رژیم‌های فاسد را در سراسر دنیا سرنگون ساخته و جامعه‌ای نو را بر اساس مبانی و اصول انقلابی بر پا سازند. بنابراین علی‌رغم پافشاری انقلابیون بر جنبه جهان‌وطنی انقلابشان، هر کدام از انقلاب‌های بزرگ بر یک ایده‌آسی خاص که محوریت اصلی را در مفهوم جهان‌وطنی مورد نظر آنها تشکیل می‌دهد، تأکید می‌ورزند و ایده مذکور را نقطه‌عزیمت تمامی سیاست‌گذاری‌های خود در سطوح داخلی و خارجی قرار می‌دهند. به‌عنوان مثال در انقلاب فرانسه این نظر «وحدت نوع بشر» بود که توسط انقلابیون در راستای جهان‌وطنی انقلابشان مطرح شد و به همین دلیل بود که از نظر آنها «بیانیه حقوق بشر و شهروندی» دارای ابعادی جهانی تلقی می‌گردید.^۱ در نتیجه می‌بایست احترام به حقوق بشر را در سراسر دنیا گسترش داد زیرا که حقوق و آزادی‌ها از نظر آنان جزء ذاتی طبیعت بشری تلقی می‌شد. به‌عبارت‌دیگر، انقلاب فرانسه دارای خصوصیت جهان‌وطنی بود چراکه از منظر آن در همه جای دنیا یک بشریت یکسان وجود داشت که از حقوق واحدی برخوردار بود و خواستار تحقق اصولی بود که بر مبنای عقلانیت انسانی شناسایی شده بود و از وحدت نوع بشر حکایت می‌کرد.

در خصوص جهان‌وطنی‌گرایی انقلابیون روسیه نیز باید گفت که اعتقاد آنان به وجود «قوانین غیر قابل نقض تاریخ» و یا به‌عبارتی اعتقادشان به «جبر تاریخی» مبنای مفهومی جهان‌وطن‌گرایی آنها را تشکیل می‌داد. به نظر آنها جبریت تاریخی پیروزی اجتناب‌ناپذیر سوسیالیست‌ها را در مقیاس جهانی تضمین می‌کند و تحقق یک جامعه بین‌المللی بی‌طبقه و بی‌دولت را تسهیل می‌سازد. مفهوم محوری «مانیفیست کمونیستی» که از همان ابتدای انقلاب سال ۱۹۱۷ توسط لنین و سپس توسط استالین مطرح می‌گردید، در عبارت و شعار معروف «کارگران جهان متحد شوید» خلاصه می‌شد.^۲ بدین ترتیب انقلابیون روسیه نیز همانند انقلابیون فرانسه درصدد بودند تا با پایه‌ریزی یک فرهنگ عام و فراگیر تا حد ممکن بخش‌های گسترده‌ای از مردمان جهان را تحت پوشش شعارها و اهداف فرامرزی انقلاب خود قرار دهند. در اینجا نیز هدف انقلابیون روسیه خدمت به تمامی بشریت از طریق تحریک و تشویق بروز انقلاب‌هایی مشابه در سراسر دنیا اعلام می‌شد.^۳

۱. روبسپیر از رهبران انقلاب فرانسه، در سال ۱۷۹۳ در سخنرانی خود اعلام می‌کرد: «شاهان، اشراف و ستمگران هر که باشند، بردگانی هستند که علیه حاکم اصلی روی زمین، یعنی نوع بشر شوریده‌اند». (رجوع شود به: Nys, 1896: 349)

۲. این عبارت و شعار، با شعار کم و بیش ضمنی انقلابیون فرانسه یعنی «مردم آزاد جهان متحد شوید» قابل مقایسه است.

۳. لنین در این خصوص اعلام می‌کرد که: «ما می‌دانیم که وظیفه ما یک وظیفه بین‌المللی است و اینکه پیروزی ما در روسیه تنها نیمی از پیروزی نهایی است و تا زمانی که یک قیام عمومی در تمام کشورها و به‌ویژه در کشورهای ثروتمند و متمدن رخ دهد، کار ما ادامه خواهد داشت». (Lenine, 1961: 371)

همچنین باید از جهان‌وطن‌گرایی یکی دیگر از انقلاب‌های بزرگ دنیا یعنی انقلاب اسلامی ایران یاد نمود.^۱ بدیع بودن این انقلاب در خصلت دینی آن است. تعهدات بین‌المللی این انقلاب اساساً برخاسته از الزاماتی است که دین اسلام برای پیروان خود مطرح ساخته است.^۲ انقلابیون ایران بلافاصله پس از دستیابی به قدرت این تعهدات و الزامات جهان‌وطنی‌گرایانه خود را در قالب‌های حقوقی و در متن قانون اساسی حکومت انقلابی خود قرار دادند^۳ تا خود را قانوناً به تعقیب اهداف فرامرزی انقلاب دینی خویش ملزم نمایند.^۴ انقلاب اسلامی ایران نه تنها مسلمانان همه کشورهای دنیا را مورد خطاب خود قرار می‌دهد، بلکه کمک‌ها و مساعدت‌های خود را به همه مستضعفین جهان ارائه می‌نماید.^۵ در واقع انقلابیون ایران نقش پیشاهنگی یک انقلاب اسلامی جهانی را برای خود قائل هستند که هدف آن بازسازی امت

۱. به اعتقاد یکی از متخصصان روابط بین‌الملل «انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان رویدادی مهم و نقطه عطفی اساسی در سال‌های پایانی قرن بیستم، انقلابی است که از چارچوب‌های ملی و حتی منطقه‌ای بسی فراتر رفته است. این انقلاب همه مسلمانان جهان و حتی فراتر از آنها یعنی تمامی مستضعفین دنیا را مورد خطاب قرار داده است. در حقیقت این انقلاب ماهیتاً یک پدیده بین‌المللی است و از طریق خواسته‌های اعلام شده خود، تأثیرات فرامرزی‌اش و یک جریان فراملی طرف‌داران فعالش در تعدادی از کشورهای دنیا یک انقلاب جهان‌وطن‌گرا تلقی می‌گردد».
(Djalili, 1990: 129)

۲. دوتوکویل در زمینه انقلاب‌های دینی چنین می‌نویسد: «انقلاب‌های دینی غالباً عرصه‌های سیاسی وسیعی را در بر می‌گیرند و بندرت همانند انقلاب‌های سیاسی در قلمرو سرزمین یک کشور و یا در چارچوب یک نژاد محدود می‌شوند».
(Tocqueville, 1988: 107)

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منعکس‌کننده اهداف پان‌اسلامیستی و فراملی انقلاب اسلامی است. این قانون وظیفه حکومت را حرکت بسوی تشکیل جامعه توحیدی و گسترش نظام اسلامی در سراسر جهان تعریف کرده است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی چنین آمده است: «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین برای پیروزی بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. «ان‌هذه امتکرامه واحده و اناریکم فاعبدون» و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.»

۴. امام خمینی در موارد متعددی بر جنبه جهان‌وطن‌گرایانه انقلاب اسلامی ایران تأکید به عمل آورده است. به‌عنوان مثال وی در پیامی که در سال ۱۹۷۹ خطاب به نهضت‌های آزادی‌بخشی که در الجزایر گرد هم آمده بودند، اعلام کرد: «نهضت ما پیش از آنکه ایرانی باشد، اسلامی است. این نهضت، نهضت مستضعفین تمامی جهان است و به یک منطقه خاص تعلق ندارد.» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۱۰ / ۲۲۸ - ۲۲۷)

۵. الیور روی، متخصص انقلاب ایران در مورد این انقلاب چنین می‌نویسد: «در بطن انقلاب اسلامی ایران یک بعد و جنبه نجات‌بخشی و جهان‌وطنی‌گرایی وجود دارد که باعث می‌شود این انقلاب نه تنها همه مسلمانان جهان را مورد خطاب قرار دهد بلکه تمامی ستم‌دیدگان یا مستضعفین جهان را نیز در بر می‌گیرد».
(Roy, 1987: 337)

اسلامی از طریق ائتلاف و اتحاد تمامی ملت‌های مسلمان است.^۱ برای درک بهتر ماهیت جهان‌وطنی گرایانه انقلاب‌های بزرگ باید خاطر نشان ساخت که دو عنصر عمده در این مفهوم وجود دارند که نباید آنها را از نظر دور داشت: عنصر اول اینکه انقلابیون مطمئن هستند که اصول مطرح شده توسط آنها با ذات و طبیعت بشری هماهنگی و تطابق دارند و لذا بر همه ملت‌ها، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های نژادی، ملی، فرهنگی و یا سیاسی فیمابین آنها، قابل تحقق می‌باشند. بنابراین می‌بایست بدون محدود کردن خود به مرزهای رسمی بین کشورها، پیام انقلاب را در سراسر دنیا پخش کرده و منتشر نمود.^۲ این مأموریت بین‌المللی در اکثر قوانین اساسی انقلاب‌های بزرگ انعکاس پیدا کرده است.

انقلابیون فرانسه نیز با شور و اشتیاقی جهان‌وطنی‌گرایانه، رسمیت مرزهای دولتی را به زیر سؤال می‌بردند و حتی اعلام می‌کردند که تابعیت فرانسه را به تمامی دوست‌داران آن در سراسر جهان اعطا می‌کنند. (Armstrong, 1993: 85) آنها با اعتقاد به برادری ملت‌ها اعلام می‌کردند که در مرحله اول می‌بایست جامعه اروپایی و سپس جامعه جهانی ایجاد شود.^۳ بر همین اساس بود که در سال ۱۷۹۰م بر اثر پافشاری روبسپیر «اعلامیه صلح با جهان» را منتشر ساختند.^۴

انقلابیون روسیه نیز بر مبنای اهداف جهان‌وطنی‌گرایانه انقلاب خود و بر اساس ایده متحد ساختن تمامی کارگران انقلابی سراسر جهان، بحث زیر سؤال بردن مرزهای دولتی رسمی بین کشورها را مطرح

۱. اصل ۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌دارد: به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و أنا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت هستند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. در همین رابطه امام خمینی اظهار می‌داشت: «جمهوری اسلامی تحت انحصار ایران نیست؛ چرا که اسلام به یک ملت خاص تعلق ندارد. نهضت اسلامی خود را به قلمرو یک کشور محدود نمی‌داند. این نهضت استمرار حرکت انبیاست». (به نقل از: Armstrong, 1993: 193)

۲. پروفیسور فرد هالییدی استاد برجسته روابط بین‌الملل در مورد تعهدات جهان‌وطنی‌گرایانه انقلاب ایران می‌نویسد: «جمهوری اسلامی ایران خود را به تحقق یک هدف بین‌المللی متعهد کرده است که عبارت است از گسترش انقلاب اسلامی در کشورهای دیگر». (Halliday, 1990 (A): 315)

۳. کامیل دمون از انقلابیون فرانسه در سال ۱۷۹۰ اعلام می‌کرد: «ما همه حصارهایی که فرانسوی‌ها را از هم جدا می‌ساخت بر چیده‌ایم و امیدواریم که به‌زودی موانع بین ملت‌ها را هم از میان برداریم و در آینده‌ای نزدیک همه یک ملت شوند؛ ملتی که نام آن نوع بشر خواهد بود.» (به نقل از: Rougemont, 1961: 164)

۴. روبسپیر در سخنرانی خود در ۱۵ مه ۱۷۹۰ اعلام کرد: «باید به دنیا اعلام کنیم که فرانسه هیچ هدف توسعه‌طلبانه‌ای ندارد و در صدد تسخیر و تصرف خاک هیچ کشوری نیست.» (Ruysen, 1961: 37)

ساختند و همانند انقلابیون فرانسه در ابتدای پیروزی انقلاب خود، تابعیت کشورشان را به تعدادی از اتباع خارجی طرفدار انقلاب روسیه اعطا نمودند و حتی برخی از آنها را در وزارت امور خارجه به کار گمارند و عده‌ای را هم به عنوان عوامل خود به کشورهای دیگر اعزام کردند. انقلابیون چین نیز با تأکید بر جنبه جهان‌سومی‌گرایانه انقلاب خود، درصدد بین‌المللی کردن اهداف و تعهدات انقلابی‌ای بودند که مائو برای آنها ترسیم نموده بود^۱ و در قانون اساسی رژیم انقلابی انعکاس یافته بود.^۲ در مورد انقلاب اسلامی ایران نیز باید گفت که بر اساس تعالیم اسلام، این انقلاب نمی‌تواند خود را در قلمرو یک کشور محصور نماید، بلکه می‌بایست اساساً در جهت ایجاد یک جامعه واحد جهانی مبتنی بر معیارهای اسلامی که تمامی بشریت از آن منتفع خواهند شد، حرکت نماید.^۳

بدیهی است که پس از اعلام اهداف جهان‌وطنی‌گرایانه و انترناسیونالیستی خود، انقلابیون بیکار نخواهند نشست و بلکه به درجات کم‌وبیش متفاوتی، درصدد عملی ساختن اهداف فراملی خود برمی‌آیند؛ به گونه‌ای که در اکثر موارد، انقلاب‌های بزرگ قواعد بازی در سطح بین‌المللی را به زیر سؤال می‌برند و ساختارها و معیارهای نظام جهانی را به چالش می‌کشند که طبیعتاً این اقدام آنها عکس‌العمل‌های جهان‌خارج را برخواهد انگیزد.

عنصر دوم: اینکه انقلابیون نقش پیشتازی تحقق انقلاب جهانی را برای خود و رهبران انقلابی خویش قائل می‌شوند. آنها انقلاب خود را رویدادی پیشگامانه در جهانی فاسد معرفی می‌کنند و معتقدند که نهضت انقلابی در هسته مرکزی اصلاح جهانی قرار گرفته و نقشی اساسی را در جهت‌دهی به مبارزه علیه دشمنان بشریت بر عهده دارد. به عبارت دیگر، انقلابیون با معرفی خود به عنوان پیشاهنگان وقوع انقلاب جهانی و فراهم‌کنندگان کاتالیزور اجتناب‌ناپذیر برای آن، انتظار دارند که نقش رهبری را در این

۱. مائو در موارد متعددی بر جنبه انترناسیونالیستی انقلاب چین تأکید می‌کرد. به عنوان مثال وی در سخنرانی دهم مارس ۱۹۵۸ خود اعلام کرد: «باید روابط دوستانه خود را با احزاب کمونیستی در همه کشورهای برقرار کنیم ... باید بر جنبه انترناسیونالیستی انقلابمان تأکید به عمل آوریم». (Mao, 1975: 39)

۲. اصل ۱۱ قانون اساسی سال ۱۹۵۴ چین اعلام می‌دارد: «جمهوری خلق چین خود را در کنار همه کشورهای دوستدار صلح و آزادی و ملت‌های جهان و بیش از همه در کنار ملت شوروی و همه کشورهای طرفدار دموکراسی خلقی و همه ملت‌های ستم دیده قرار می‌دهد و همراه با همه آنها علیه تهاجم امپریالیست‌ها مبارزه خواهد نمود و از برقراری یک صلح پایدار در سراسر جهان دفاع خواهد کرد».

۳. امام خمینی در یک مصاحبه در پاسخ به سؤال یک خبرنگار در خصوص سؤال وی راجع به انقلاب اسلامی اظهار داشت: «ما امیدواریم که انقلاب اسلامی ایران سرآغاز ایجاد یک جامعه قدرتمند اسلامی در سراسر جهان باشد. اسلام به یک دولت و یا چند دولت و یا به یک ملت خاص و حتی به مسلمانان تعلق ندارد. اسلام برای نجات تمامی بشریت آمده است». (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۷ / ۲۸)

انقلاب به عهده گرفته و وحدت نهضت‌های انقلابی در تحت راهبری و هدایت آنان صورت بگیرد. به همین دلیل بود که انقلابیون فرانسه از پاریس به‌عنوان «نقطه مرکزی جهان» و یا «واتیکان عقلانیت» یاد می‌کردند و کلودت از رهبران انقلابی فرانسه به‌عنوان «سخنگوی نوع بشر» و یا «شهروند جهانی» معروف شده بود. (Levinet, 1989: 49) در دیگر انقلاب‌های بزرگ نیز نشانه‌های فراوانی وجود دارند که بر امیدواری انقلابیون در خصوص راهبری مبارزه جهانی علیه اردوگاه شر دلالت می‌کنند. به‌عنوان مثال رهبر انقلاب اسلامی ایران تحت عنوان «رهبر مستضعفین جهان» و یا «رهبر انقلاب اسلامی» و یا «رهبر مسلمانان جهان» معرفی شده است و کشور ایران از سوی برخی از انقلابیون ایرانی به‌عنوان «ام القرای» جهان اسلام مطرح گردیده است.^۱ همچنین، انقلابیون روسیه هم دارای آمال مشابهی بودند و ادعاهای یکسانی را در این زمینه مطرح می‌ساختند و به‌ویژه با سازمان‌دهی شبکه‌ها و نهادهای فراملی در دستیابی به اهداف بین‌المللی خود به‌صورت گسترده‌ای اقدام می‌کردند؛ به‌طوری‌که تا به امروز هیچ رژیم انقلابی دیگری نتوانسته است آنچه را که شوروی‌ها طی هفتاد سال در خصوص تأثیرگذاری بر نهضت‌های انقلابی و هدایت و رهبری آنها در سراسر دنیا انجام دادند، تحقق بخشد.

علاوه بر این باید خاطر نشان نمود که جهان‌وطنی‌گرایی انقلاب‌های بزرگ عملاً منافع و دستاوردهای مثبتی را هم در داخل و هم در خارج از مرزها برای آنها به ارمغان می‌آورد. در واقع آنها با طرح این شعارها و اهداف در صدد جذب حامیانی در فراتر از مرزهای خود و دستیابی به اهدافی عینی و پراگماتیستی نیز می‌باشند.

چهار. نجات بخشی بشریت

نقطه مشترک دیگر همه انقلاب‌های بزرگ، تشابه آنها از جنبه نجات‌بخشی است. مفهوم نجات‌بخشی مفهوم جدیدی نیست؛ در تمام طول تاریخ بشریت، جنبش‌ها و حرکت‌های گسترده مذهبی و غیر مذهبی، اصلاح طلبان، شورشیان و انقلابیون زیادی وجود داشته‌اند که مدعی یافتن «حقیقت» و به ارمغان آوردن درمانی نهایی برای تمام رنج‌های انسانی بوده‌اند.

انقلاب‌های بزرگ مورد مطالعه در این پژوهش نیز از این جریانات مستثنی نیستند. آنها نیز اعتقاد دارند که راز و مسیر خوشبختی نوع بشر را کشف کرده و امیدوارند که بتوانند تمامی انسان‌ها را از همه بدبختی‌ها

۱. پل بالتا در خصوص این جنبه از انقلاب اسلامی ایران، می‌نویسد: «رسانه‌های ایران بر بعد جهان‌وطنی‌گرایانه انقلاب اسلامی و هدف آن در زمینه بازسازی امت اسلامی بر حول محوریت و مرکزیت ایران تأکید به‌عمل می‌آورند». (به نقل از: Haghghat, 1985: 209)

و رنج‌هایی که آنها را فرا گرفته‌اند، آزاد نمایند.^۱ انقلابیون باور دارند، و تلاش می‌کنند که این اعتقاد را به دیگران نیز بیاوراند که انقلاب آنها یک نقطه عطف اساسی در تاریخ بشریت است و اینکه این انقلاب آخرین مرحله‌ای است که پس از آن دیگر هیچ درد و رنجی بر روی زمین باقی نخواهد ماند.^۲

موضوع محوری مورد تأکید همه انقلاب‌های بزرگ، در پافشاری و تأکید آنها بر این نکته خلاصه می‌شود که تنها روزنه امید برای نجات بشریت در «انقلاب» نهفته است و تنها انقلاب آنهاست که می‌تواند راه حلی نهایی را برای انسان‌ها ارائه دهد. در نتیجه جهان فاسد و تباه شده امروز به انقلابیونی نیاز دارد تا آن را از فساد و تباهی نجات دهند.^۳ بدین ترتیب انقلابیون خود را در موضعی از قدرت می‌بینند که همه بشریت نیازمند آنانند تا به سعادت و نجات نهایی دست پیدا کنند.^۴ در واقع انقلابیون خود را حامل مأموریتی تاریخی و یا الهی می‌دانند که می‌بایست بر اساس آن، ارزش‌ها و ایده‌های نجات بخش را در صحنه بین‌المللی محقق سازند.

رژیم‌های حاصل از انقلاب‌های بزرگ تلاش می‌کنند تا مبارزه‌ای را در مقیاس جهانی برای برقراری یک جامعه عادلانه و سعادت‌مند به پیش ببرند. البته اگر چه همه انقلاب‌های بزرگ تحقق خوشبختی و سعادت انسان را هدف نهایی خود معرفی می‌کنند، اما با این وجود باید توجه داشت که در هر یک از این

۱. بخش دوم از «اعلامیه حقوق ملت‌های کارگر و استثمار شده» صادره در چهارم ژانویه ۱۹۱۸ در روسیه، با این عبارت آغاز می‌شود که: «سومین کنگره پان روسی شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان اهداف اساسی خود را حذف و نابودی تمامی اشکال استثمار انسان توسط انسان، لغو کامل تقسیم جوامع به طبقات مختلف، پایمال کردن بی‌رحمانه همه استثمارگران، ایجاد سازمان سوسیالیستی جامعه و پیروز گرداندن سوسیالیسم در همه کشورها اعلام می‌دارد». (رجوع شود به: Duverger, 1957: 625)

۲. لنین اظهار می‌داشت: «ما برای همه خلق‌ها خواهان یک صلح مستحکم و آزادی از تمامی ستم‌ها و استثمارها می‌باشیم». (به نقل از: Carr, 1969: 1 / 111)

۳. امام خمینی در نامه‌ای که در سال ۱۹۸۸ به گورباچف رهبر شوروی نوشت، ضمن پیش‌بینی فروپاشی کامل کمونیسم، اعلام داشت: «از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد؛ چراکه مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست.» وی سپس با هشدار به رهبر شوروی در خصوص وسوسه تقلید و پیروی از غرب می‌افزاید: «از شما جداً می‌خواهم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم، گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ نشوید.» امام خمینی سپس به گورباچف پیشنهاد می‌کند که اسلام را به‌عنوان جایگزین ماتریالیسم انتخاب کند تا بدین ترتیب اتحاد شوروی را نجات بخشد و صریحاً اعلام می‌دارد که «جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بزرگترین و قدرتمندترین پایگاه جهان اسلام به راحتی می‌تواند خلأ اعتقادی نظام شما را پر نماید». (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۲۱ / ۲۲۰)

۴. به اعتقاد چینیان باستان، چین به‌عنوان «پادشاهی میانی» معرفی می‌شد که در مرکز تمدن جهانی قرار گرفته و همه دنیا از آن پیروی می‌کرد. مائو بر مبنای این اعتقاد و با این ادعا که جهان فاسد بیشتر به چین نیاز دارد تا چین به آن، اعلام می‌کرد که: «روزی خواهد آمد که آمریکائی‌ها خودشان خواستار برقراری روابط دیپلماتیک با ما شوند». (Mao, 1975: 36)

انقلاب‌های بزرگ، «انسان» معنا و مفهومی خاص پیدا می‌کند. انسانی که انقلاب فرانسه از آن صحبت می‌کرد و خود را مدافع حقوق و ارزش‌های آن می‌دانست، نه به طبقه اشراف و نه به گروه روحانیون و کلیسا تعلق داشت و نه جزء خاندان سلطنتی محسوب می‌شد. او در زمرهٔ افراد عادی و معمولی تلقی می‌شد که از هیچ‌گونه حقوقی برخوردار نبود و در واقع جزء طبقهٔ «بی‌شورت‌ها»^۱ به‌شمار می‌رفت. این در حالی است که انسان تعریف شده در انقلاب روسیه، کارگر فقیری بود که به خاطر استثمار شدن توسط طبقهٔ بورژوازی و سرمایه‌داران، مالک هیچ چیزی نبود. انسان مورد نظر انقلابیون چین نیز دهقانی بود که در زمرهٔ پایین‌ترین طبقات اجتماعی قرار داشت و این انقلاب نجات او را مد نظر قرار داده بود. و سرانجام انسان در انقلاب اسلامی ایران، مستضعف و ستمدیده‌ای بود که جزء «پابره‌نه‌ها» محسوب می‌شد؛ چرا که ستمکاران حقوق و فضائل او را پایمال کرده بودند.

به‌طور کلی انقلاب‌های بزرگ مدعی هستند که آنها نه تنها حق دارند تا نظام سیاسی - اجتماعی موجود را در سایر جوامع و سیستم ناعادلانهٔ حاکم بر عرصه بین‌المللی را تغییر دهند، بلکه در واقع این تکلیفی است که بر عهدهٔ آنها گذاشته شده تا بشریت را نجات دهند. از این رو آنها همهٔ رژیم‌هایی را که مشابه «رژیم سابق» خودشان می‌باشند، مورد تهدید قرار می‌دهند. همهٔ انقلاب‌های بزرگ آشکارا از وظیفه یا تکلیف خود برای انجام تغییر و تحولاتی منطبق با ایدئولوژی انقلابی خویش در نظام بین‌الملل سخن گفته‌اند.^۲

پنج. نفی ناسیونالیسم

جنبهٔ جهان‌وطنی‌گرایانهٔ انقلاب‌های بزرگ، آنها را در ادامه به نفی ناسیونالیسم سوق می‌دهد چرا که این انقلاب‌ها خود را به مرزهای رسمی و دولتی محدود نمی‌دانند. آنها همهٔ ملت‌ها را خطاب قرار می‌دهند و در نظر دارند تا نه تنها ملت خود را نجات دهند بلکه تمامی ملت‌های دنیا را نیز به خوشبختی و سعادت برسانند. در واقع ایدئولوژی‌های اکثر انقلاب‌های بزرگ مفهوم ناسیونالیسم را نفی می‌کنند تا بتوانند در راستای تشکیل یک جامعهٔ جهانی حرکت کنند. این انقلاب‌ها به نفی و

۱. در فرانسهٔ زمان انقلاب، «بی‌شورت‌ها» مفهومی معادل «پابره‌نه‌ها» و «مستضعفین» در انقلاب ایران یا معادل «کارگران - پرولتاریا» در انقلاب روسیه و یا «دهقانان» در انقلاب چین را داشت. «بی‌شورت‌ها» مردم عادی و فقیری بودند که بر خلاف طبقات اشراف درباری و مرفهین که در زیر شلوار خود شورت می‌پوشیدند، به‌علت فقر مالی و فرهنگی خود از پوشیدن شورت در زیر شلوار خویش محروم بودند.

۲. در مقدمهٔ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «نیروهای مسلح نه تنها وظیفهٔ حفظ و حراست از مرزها را بر عهده دارند بلکه بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده دار خواهند بود. «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم».

تقبیح ناسیونالیسم می‌پردازند چراکه آن را نمادی از خودپرستی‌ای می‌دانند که با ارزش‌های انقلابی در تقابل و تضاد تلقی می‌شود. گاهی نیز ناسیونالیسم به این علت تقبیح می‌شود که انقلابیون آن را تله‌ای می‌دانند که توسط دشمنان انقلاب برای محصور کردن آنها در محدوده قلمرو جغرافیایی رژیم انقلابی طراحی شده است.^۱

با این وجود باید خاطر نشان ساخت که مخالفت انقلابیون با ناسیونالیسم به معنای مخالفت آنها با میهن پرستی انقلابی نیست. به عبارت دیگر، ناسیونالیسمی که توسط انقلابیون محکوم می‌شود، ناسیونالیسمی است که توسط ملت‌های دیگر طرح و ابراز می‌شود؛ درحالی‌که ملی‌گرایی و مهین‌پرستی انقلابیون از نظر خود آنها فاقد هر گونه اشکال و ایرادی است؛ چراکه ناسیونالیسمی مشروع است که در راستای دفاع از رژیم انقلابی به‌عنوان «پایگاه اصلی انقلاب جهانی» قابل توجیه می‌باشد؛ بدین معنی که چنین ناسیونالیسمی به‌عنوان نیروی محرکه قدرتمندی برای حفاظت و حراست از موجودیت رژیم انقلابی مشروع و توجیه‌پذیر تشخیص داده می‌شود. درواقع انقلابیون تا قبل از پیروزی خود بر رژیم سابق، به ناسیونالیسم به‌عنوان یک پتانسیل قوی متوسل می‌شوند و در موارد متعددی از آن برای بسیج بخش‌های گسترده‌ای از مردم کمک می‌گیرند. دقیقاً پس از پیروزی انقلاب است که انقلابیون به محکوم ساختن ناسیونالیسم به‌عنوان مانعی در برابر جهان‌وطنی‌گرایی انقلاب می‌پردازند و آن را یک ایدئولوژی سیاسی جایگزین تلقی می‌کنند که می‌تواند برای آینده انقلاب و اهداف آن بسیار خطرناک باشد. درحال باید بر این نکته تأکید نمود که هیچ‌یک از انقلاب‌های بزرگ هنوز نتوانسته‌اند عنصر ناسیونالیسم را به کلی کنار گذاشته و آن را با احساسات انقلابی و یا جهان‌وطنی‌گرایی جایگزین نمایند. برعکس ناسیونالیسم همواره به‌عنوان یکی از موانع اصلی و مهم برای گسترش ایده‌های انقلابی در فراتر از مرزهای انقلاب‌های بزرگ مطرح بوده است.

۲. خوشبینی انقلابی

یکی دیگر از ویژگی‌هایی انقلاب‌های بزرگ خوش‌بینی آنان نسبت به آینده و اعتقاد به پیروزی نهایی و تحقق اهداف انقلابی در صحنه بین‌المللی است. انقلابیون با غرور و شادی ناشی از پیروزی بر رژیم سابق، خود را از آن‌چنان قابلیت‌برخوردار می‌بینند که بتوانند طرحی نو در انداخته و جهان تازه‌ای را بنا

۱. امام خمینی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی در زمینه ناسیونالیسم اعلام می‌کرد: «چقدر ما از ملی‌گرایی سلیبی خورده‌ایم؟ ملی‌گراها به جهنم بروند.» همچنین امام خمینی در جای دیگر اظهار داشت: «ملی‌گرایی منشاء تمام بدبختی‌های مسلمانان است.» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۱۲ / ۲۵۶ و ۲۸۰)

سازند و اصول و معیارهای دنیای کنونی را در هم بریزند.^۱ آنها معتقدند که زمینه برای ایجاد تغییرات بنیادی در سراسر دنیا فراهم است و آنان دوستان و طرف‌داران زیادی در همه کشورهای دارند.^۲ بدین ترتیب از نظر آنها، پیام انقلاب به‌زودی در سایر کشورها انتشار پیدا خواهد کرد و مردم دیگر جوامع با اشتیاق از آن استقبال خواهد نمود و تحقق اهداف انقلابی را به گرمی خواهند پذیرفت و آنها نیز در صدد آزادسازی خویش از تحت سیطره ستمکاران و بدکاران برخواهند آمد. این چشم‌اندازی است که انقلاب‌های بزرگ با خوش‌بینی تمام برای آینده انقلاب در سایر مناطق دنیا ترسیم می‌کنند و بدیهی است که این امیدواری، اثری فوق‌العاده را برای پیگیری اهداف فرامرزی انقلاب‌های بزرگ فراهم می‌آورد. علاوه بر این، رژیم‌های حاصل از انقلاب‌های بزرگ، به ترویج تصویری می‌پردازند که بر اساس آن، دشمنان انقلاب بسیار ضعیف و آسیب‌پذیر هستند و لذا به‌هیچ‌وجه نمی‌توانند در مقابل قدرت توده‌های انقلابی مقاومت کنند.^۳ از این دیدگاه پیروزی نهایی برای آنها بسیار سریع و آسان خواهد بود و انقلابیون بدون این که خود را ایدئالیست تلقی کنند، کاملاً به تحقق این پیروزی اعتقاد دارند.^۴

اینک جای طرح این سؤال پیش می‌آید که چرا رژیم‌های انقلابی تا این اندازه نسبت به پیروزی و گسترش جهانی افکار و ایده‌های خود اعتقاد دارند و خوش‌بین هستند و چه عواملی این خوش‌بینی آنها را ایجاد و تقویت می‌کنند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که چنانچه نگاهی به تاریخ انقلاب‌های بزرگ انداخته شود، مشخص می‌گردد که ایدئولوژی‌های این انقلاب‌ها دربردارنده عناصری است که ایمان و اعتقاد را در

۱. مائو در سال ۱۹۵۵ با انتقاد از کسانی که به توانایی مردم انقلابی چین برای دستیابی به اهداف شان و ساختن یک دنیای جدید کمونیستی اعتقادی نداشتند، اعلام کرد: «چه کسی می‌گوید که یک پر مرغ نمی‌تواند تا بهشت پرواز کند؟» (رجوع شود به: Gitting, 1989: 255) تروتسکی نیز در سال ۱۹۱۹ می‌گفت: «امروز مسکو مرکز کمونیسم بین‌الملل است و فردا این مرکز به طرف غرب یعنی برلین و لندن و پاریس خواهد رفت» (به نقل از: Parkinsone, 1977: 170) امام خمینی نیز اعلام می‌کرد: «بدانید که جهان امروز به ستم‌دیدگان و مستضعفین تعلق دارد و دیر یا زود آنها پیروز خواهند شد. آنها وارثان زمین خواهند بود.» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۱۲ / ۱۹) امام خمینی در جای دیگری می‌گفت: «من امیدوارم که بتوانیم پرچم اسلام و جمهوری اسلامی را در سراسر دنیا به اهتزاز در آوریم.» (همان: ۸ / ۲۶۷)

۲. مائو در اول اکتبر ۱۹۴۹ در میدان تیان آن من ضمن اعلام تشکیل جمهوری خلق چین اظهار داشت: «مردم چین به‌پا خاسته‌اند ... و ما در سراسر دنیا دوستان زیادی داریم.» (رجوع شود به: Gitting, 1989: X)

۳. مائو در سخنرانی پنجم سپتامبر سال ۱۹۵۸ خود اعلام کرد: «در مورد وضعیت بین‌المللی ما همواره دیدگاهی خوش‌بینانه داشته‌ایم که خیلی پیش از این آن را در این عبارت خلاصه کرده‌ایم که «باد شرق سرانجام بر باد غرب غلبه خواهد کرد.» (Mao, 1975) به اعتقاد لنین «امپریالیسم هم در بر دارنده قدرت برای اعمال سلطه بر جهان است و هم در درون خود هسته‌های نابودکننده اجتناب‌ناپذیر خویش توسط کارگران را پرورش می‌دهد.» (به نقل از: Walt, 1992: 338)

۴. لنین در پاسخ به کسانی که خوش‌بینی گسترده او را در زمینه پیروزی جهانی انقلاب کمونیستی مورد انتقاد قرار می‌دادند بارها اعلام می‌کرد که «ما آرمانگرا یا یوتویست نیستیم.» (Lenine, 1963: 57)

انقلابیون نسبت به پیروزی اهداف فرامرزی شان به شدت تقویت می‌کنند.^۱ بر اساس ایدئولوژی این انقلاب‌ها، یک جامعه بهتر نه تنها مطلوب بلکه هم در سطح داخلی و هم در عرصه خارجی و بین‌المللی کاملاً ممکن و قابل تحقق است. انقلابیون ادعا می‌کنند که اصول و معیارهایی که توسط انقلاب آنها طرح و ترویج می‌شوند، کاملاً با قوانین مسلم و غیرقابل تعارض تاریخ و یا با قوانین حاکم بر طبیعت و یا با قوانین الهی منطبق و همگون هستند و تنها آنها هستند که توانسته‌اند این قوانین را کشف کرده و درک نمایند.

خوش‌بینی انقلابیون گاهی با تحقیر دشمنان شان نیز تقویت می‌شود؛ آنها دشمنان خود را به گونه‌ای ضعیف و حقیر ترسیم می‌کنند که نابودی و شکست آنها بدین وسیله آسان و سریع تلقی شود. بر همین اساس بود که مائو از دشمنان آمریکایی خود به «ببر کاغذی»^۲ تعبیر می‌کرد.

به موازات ایدئولوژی انقلابی، که خوش‌بینی انقلابیون را نسبت به پیروزی بر رژیم‌های فاسد دیگر و تحقق اهداف انقلابی در عرصه بین‌المللی تقویت می‌کند، عنصر دیگری وجود دارد که به تحکیم این خوش‌بینی کمک می‌کند. در واقع انقلابیون با مشاهده سقوط رژیم سابق و تحقق پیروزی وعده داده شده توسط ایدئولوژی انقلابی، مطمئن می‌شوند که از این پس در موضعی از قدرت قرار دارند که می‌توانند دنیای فاسد موجود را نیز در هم ریخته و جامعه جهانی نوینی را بر مبنای همان اصول و معیارهای انقلاب خود بنا نهند. از این رو اطمینان پیدا می‌کنند که با بکارگیری همان روش‌ها و تکنیک‌هایی که برای کسب موفقیت و پیروزی در برابر رژیم سابق مورد استفاده قرار گرفته‌اند، می‌توانند به اهداف فرامرزی انقلاب خود نیز جامعه عمل بپوشانند.

عنصر دیگری که در تحلیل علل خوش‌بینی انقلاب‌ها باید به آن توجه نمود، در موقعیت فیزیکی و وضعیت استراتژیکی رژیم‌های انقلابی مستتر است. گستردگی قلمرو جغرافیایی، جمعیت، منابع و موقعیت ژئواستراتژیکی رژیم انقلابی و جایگاهی که رژیم سابق در سیستم بین‌المللی و معادلات جهانی داشته است همگی از جمله عناصری هستند که نقش مهمی در ایجاد و گسترش جاه طلبی‌های انقلابی در قبال جهان خارج، ایفا می‌کنند.^۳ اهمیت این فاکتورها به اندازه زیادی قابل ملاحظه است؛ به خصوص هنگامی که این واقعیت در نظر گرفته شود که انقلابیون که انتظار چنین

۱. همان‌گونه که کرین بریتون در کتاب کالبد شکافی انقلاب‌ها می‌نویسد: «همه این انقلاب‌ها از امید زاییده شده‌اند و فلسفه آنها اساساً بر خوش‌بینی بنا شده است». (Brinton, 1952: 278)

2. Paper Tiger.

۳. فرانسه رژیم سابق، روسیه، چین پیش از انقلاب و ایران زمان شاه همگی از جمله رژیم‌های قدرتمندی بودند که نقش مؤثری نیز در سیستم بین‌المللی یا منطقه‌ای داشتند. به همین علت است که انقلابیون این کشورها پس از فتح قدرت سیاسی، خود را در وضعیتی از قدرت احساس کردند که اهدافی را برای خود تعریف کنند که با موقعیت آنها در مقیاس منطقه‌ای و بین‌المللی کم‌وبیش همخوانی داشته باشند.

پیروزی سریع و سهلی را نداشتند، به ناگهان خود را در رأس کشوری می‌بینند که همهٔ اهرم‌های قدرت مانند ارتش، پلیس، تسلیحات و رسانه‌ها در اختیار آنها قرار گرفته است؛ درحالی‌که تا پیش از این انقلابیون در مبارزه خود علیه رژیم سابق از همهٔ این ابزارها و اهرم‌ها محروم بوده‌اند. از این پس آنها مطمئن هستند که با بهره‌گیری از این موقعیت و اهرم‌ها قادر خواهند بود تا مأموریت و رسالت جهانی خود را به‌خوبی به انجام رسانند.

عصر دیگری که باعث تقویت خوش‌بینی انقلابیون می‌شود، تجربهٔ موفق سایر نهضت‌های انقلابی است که اعتمادبه‌نفس و اطمینان انقلابیون را به پیروزی نهایی تقویت می‌کند. از این رو انقلابیون با طرح مسئله موفقیت سایر رژیم‌های انقلابی، در صدد تقویت خوش‌بینی و اعتمادبه‌نفس طرف‌داران خود بر می‌آیند. بر همین اساس بود که انقلابیون چین با استناد به پیروزی انقلاب روسیه، به‌عنوان دلیل محکمی که پیروزی نهایی را به اثبات می‌رساند، به موفقیت و پیروزی خود به‌شدت خوش‌بین بودند.

گاهی نیز سیر وقایع و رویدادها کاملاً در جهت اثبات خوش‌بینی انقلابیون پیش می‌روند. در مقاطع متعددی پیش‌بینی‌های انقلابیون به حقیقت می‌پیوندند و حتی در مواردی که خود آنها هم به پیروزی اطمینانی ندارند، بنابراین همچنان اقدامات و حملات خود را ادامه می‌دهند. همهٔ این وقایع، اعتمادبه‌نفس و اطمینان انقلابیون را نسبت به این که «سیستم فاسد جهانی» روزهای آخر عمر خود را می‌گذراند و پیروزی جهانی انقلابیون نزدیک است، افزایش داده و تقویت می‌کند. البته بعدها با ظهور مشکلات و موانع بسیاری مشخص خواهد شد که این خوش‌بینی چندان به‌جا نبوده است و این امر خود بعدها به بروز برخی اشتباهات در محاسبات انقلابیون نسبت به جهان خارج منجر می‌شود. در هر حال نوعی خوش‌بینی بی‌حد و حصر نسبت به آینده در جو انقلابی موجود رشد کرده و گسترش پیدا می‌کند. شدت این خوش‌بینی به‌حدی است که تحمل بسیاری از مشکلات و حتی مصالحه‌جویی‌های مقطعی را با اعتقاد به پیروزی تضمین شده نهایی برای انقلابیون آسان می‌سازد.

با این وجود هیچ‌یک از این انقلاب‌های بزرگ موفق نشده است به‌صورتی سریع و رادیکال تغییراتی بنیانی را در صحنه جهانی ایجاد کرده و یا بلافاصله قیام‌های وسیعی را در کشورهای دیگر و حتی در سطح منطقه‌ای به‌راه اندازند. در عین حال باید گفت که این انقلاب‌ها به‌صورتی تدریجی و مستمر توانسته‌اند تحولاتی را در افکار و رفتارهای سایر ملت‌ها در فراتر از مرزهای خود ایجاد نمایند. از این رو، این خوش‌بینی می‌تواند انقلابیون و طرف‌داران آنها را متقاعد سازد که برای دستیابی به اهداف مورد نظر انقلاب می‌بایست تمامی تلاش‌های خود را بکار برده و هر گونه فداکاری را در این راه متحمل شوند. به‌عبارت‌دیگر خوش‌بینی انقلابیون نسبت به آینده هم می‌تواند زمینه را برای کار و فعالیت و تلاش‌های

بیشتر و گسترده‌تر در زمینه تحکیم و تثبیت رژیم انقلابی فراهم سازد و هم می‌تواند به نوعی توجیه‌کننده سختی‌ها و مشکلات این مسیر و احیاناً ناکارآمدی‌های انقلابیون در مسند قدرت باشد.

۳. رهبران انقلابی

انقلاب‌های بزرگ رهبران بزرگی نیز داشته‌اند که از نفوذ و تاثیرگذاری قابل توجهی در خارج از مرزهای خود برخوردار بوده‌اند. در اکثر انقلاب‌های بزرگ نقش رهبران انقلابی بسیار مهم و اساسی است؛ به‌ویژه رهبران انقلابی که از خصوصیتی تحت عنوان «کاریزما» برخوردارند. از دیدگاه بسیاری از تئوری‌های انقلاب، یکی از عوامل مؤثر در گذار از وضعیت انقلابی به تغییر رژیم سیاسی، ظهور و حضور یک رهبر انقلابی کاریزماتیک می‌باشد. وی فردی است که تجسم قهرمان نجات‌بخش یک ملت در یک برهه حساس از تاریخ محسوب می‌شود که مأموریت دارد تا خیزشی انقلابی را به‌راه انداخته و آن را رهبری کند.

حرکت‌های انقلابی فاقد چنین رهبریتی یا اساساً تحقق پیدا نخواهند کرد و یا اگر هم تحقق پیدا کنند، از چنین ابعاد و گستره وسیع جهانی برخوردار نخواهند بود. رهبران انقلابی از قابلیت‌های فوق‌العاده‌ای برای بسیج مردم و متمرکز کردن خشم و نفرت آنان علیه دشمنان برخوردارند. آنها هستند که تمامی مشکلات موجود بر سر راه فرآیند انقلابی و تمامی موانع داخلی و خارجی و همه شکست‌ها و ناکامی‌ها را به دشمنان نسبت می‌دهند و نیروهای انقلابی و انرژی‌های انقلابیون را علیه آنان متمرکز می‌سازند. در هر صورت، تفکرات و اندیشه‌های رهبران انقلابی همچون روبسپیر، لنین، مائو، کاسترو و یا امام خمینی طی سال‌های متمادی، نقش بسیار مهمی در بسیج و تهییج نیروهای انقلابی و حرکت آنها به سوی اهداف تعیین شده از سوی این رهبران داشته‌اند.

در خصوص پیامدهای خارجی وجود چنین رهبرانی در رأس انقلاب‌های بزرگ، باید گفت که در اکثر موارد این افراد به‌عنوان رهبرانی که می‌توانند مردم سایر جوامع و نهضت‌های انقلابی آنها را نیز رهبری و هدایت کنند، معرفی و شناخته می‌شوند. در واقع شهروندان رژیم انقلابی هويت خود را در پرتو رهبر خویش تعریف می‌کنند و عاشقانه و صمیمانه او را تمجید و تحسین می‌کنند. رهبر انقلابی از نظر مردم رژیم انقلابی و مجموعه انقلابیون به‌عنوان آخرین امید برای نجات جامعه و رساندن مردم به خوشبختی و سعادت تلقی می‌شود؛ چرا که همگی او را حامل مأموریتی تاریخی و رسالتی جهانی برای نجات ملت و بشریت می‌دانند. به همین جهت است که رهبران انقلاب‌های بزرگ از سوی پیروان‌شان به‌عنوان رهبرانی جهانی برای رهبری انقلابی در مقیاسی بین‌المللی معرفی می‌شوند.

در همین راستا توجه به این نکته نیز لازم است که رهبران انقلابی برای دستیابی به اهداف

گسترده و نهایی مورد نظر خود ضروری تشخیص می‌دهند که انقلاب می‌بایست از استمرار و تداوم برخوردار باشد تا بتوان ضمن حفظ شور و هیجان انقلاب در بین مردم و جامعه و در صحنه‌نگه داشتن انقلابیون، اهداف داخلی و خارجی انقلاب را تعقیب و دنبال نمود. به همین دلیل است که آنها همواره بر ضرورت حفظ هوشیاری و آمادگی انقلابیون و حضور آنها در مرکز فعالیت‌های انقلابی تأکید به عمل می‌آورند تا بتوانند فرآیند انقلابی را در فراتر از مرزهای ملی ترویج کرده و گسترش دهند.

یافته‌های تحقیق

در این مقاله تلاش شد تا عناصر اصلی و ویژگی‌های بین‌المللی انقلاب‌های بزرگ تبیین شوند. بدین منظور با طرح این مدعا که چهار انقلاب فرانسه، روسیه، چین و ایران از جمله انقلاب‌های بزرگ دوران مدرن محسوب می‌شوند، عناصر و ویژگی‌های عام آنها تشریح و تبیین گردید. از خلال این تحلیل مشخص شد که انقلاب‌های بزرگ، دارای ایدئولوژی‌های عام و فراگیری هستند که از مرزهای ملی فراتر رفته و آینده‌ای مملو از سعادت و خوشبختی را برای بشریت نوید می‌دهند. انقلاب‌های بزرگ همچنین تعادل و همگونی نسبی و ساختار مناسبات موجود در سیستم بین‌المللی را به چالش می‌کشند که این امر باعث بروز دگرگونی‌ها و تحولاتی قابل ملاحظه در عرصه جهانی و مواجهه و رویارویی نظام بین‌الملل با آنها می‌گردد. انقلاب‌های بزرگ، دارای شعارها و آرمان‌های مشابهی هستند که بر اساس آنها ظهور و فرارسیدن عصر جدیدی را به پیروان خود نوید می‌دهند، جهان را به دو اردوگاه خیر و شر تقسیم می‌کنند، جهان وطن‌گرا هستند، ادعای نجات‌بخشی بشریت را مطرح می‌نمایند و به نفی ملی‌گرایی و ناسیونالیسم می‌پردازند.

انقلاب‌های بزرگ، نسبت به آینده و پیروزی افکار و عقایدشان خوش بین هستند. آنها معتقدند که توانایی ایجاد تغییر و تحولات گسترده‌ای را در نظام بین‌الملل با محوریت ایدئولوژی خود دارا هستند و قادرند تا طرحی نو در انداخته و دنیای جدیدی را بنا سازند. انقلاب‌های بزرگ همچنین دارای رهبران انقلابی بزرگی هستند که از ویژگی‌هایی کارزماتیک برخوردارند. آنها می‌توانند ملتی را بسیج کرده و خیزشی انقلابی را سامان داده و آن را تا دستیابی به پیروزی کامل راهبری نمایند. افکار و اندیشه‌های این رهبران و نفوذ و جاذبه آنها، در سرزمین‌ها و ملت‌های دیگر نیز تأثیراتی را برجا خواهند گذاشت و تا سالیان متمادی نقشی اساسی در بسیج و تهییج نیروهای انقلابی در سراسر جهان ایفا خواهند نمود.

منابع و مأخذ

۱. خمینی، روح الله، ۱۳۶۸، *صحیفه نور: مجموعه سخنرانی‌ها و رهنمودهای امام خمینی*، ج ۷، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۲۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. دوتوکویل، آلکسی، ۱۳۶۵، *انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نقره.
۳. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۸۲، تهران، مؤسسه علمی و فرهنگی عابدزاده، چ سوم.
4. Arendt, Hannah, 1967, *Essai sur la Révolution*, Paris, Editions Gallimard.
5. Armstrong, David, 1993, *Revolution and World Order, The Revolutionary State in International Society*, Oxford, Clarendon Press.
6. Brinton, Crane, 1952, *The Anatomy of Revolution*, New York, Prentice-Hall Inc.
7. Calvert, Peter, 1984, *Revolution and International Politics*, London, Frances Pinter Publishers.
8. Carr, Edvard Hallet, 1969, *La Révolution Bolchevique 1917-1923*, Editions de Minuit, Paris, Vol. 1.
9. Caruchet, William, 1987, *Khomeiny, Le Janissaire de l'Islam*, Paris, Saurat Editeur.
10. Document ONU, *Assemblée Générale*, (25 Septembre 1987, A/42PV.6.
11. Djalili, Mohamad Reza, 1990, "*Dimensions Internationales de La Révolution Islamique*", dans: *Révolution et Droit International*, Paris, Edition A. Pedon.
12. Duverger, Maurice, 1957, *Constitutions et Documents Politiques*, Paris, P.U.F.
13. Fontaine, André, 1991, *l'Un Sans l'Autre*, Paris, Librairie Arthème Fayard.
14. Gitting, John, 1989, *China Changes Face, The Road from Révolution 1949-1989*, Oxford, Oxford University Press.
15. Haghghat, Shapour, 1985, *Iran, La Révolution Islamique*, Bruxelles, Editions Complexe.
16. Halliday, Fred, 1990 (A), "*Iranian Foreign Policy Since 1979: Internationalism and Nationalism in the Islamic Revolution*", in Keddie, Nikki R.; Cole Juane R.I. Shi'ism and Social Proteste, New Hawen, Yale University Prees.
17. Halliday, Fred, 1990 (B), *Revolution and Foreign Policy: The Case of South Yemen 1967-1987*, Cambridge University Press.
18. Halliday, Fred, 1999, *Revolution and World Politics*, London, Macmilan.
19. Kissinger, Henri, 1970, *Pour une Nouvelle Politique Etrangère Américaine*, Paris, Librairie Arthème Fayard.
20. Leben, Charles, 1990, "*Les Révolutions en Droit International: Essai de Classification et de Problématique Général*", dans: *Révolution et Droit International*, Société Francaise Pour Le Droit International, Paris, Editions A. Pedon.
21. Lenine, V.I, 1961, *Collected Works*, Moscow, Foreign Languages Publishing House, Vol.31.
22. Lenine, V.I, 1963, *La Révolution Bolcheviste*, Paris, Petite Bibliothèque Payot.
23. Levinet, Michel, 1989, "*La Diplomatie Révolutionnaire et les Nouveaux Principes des Relations Internationales*", Le Trimestre du Monde, Deuxième Trimestre.
24. Mao, Tsé-Tung, 1975, *Le Grand Livre Rouge, Ecrits, Discours et Entretiens, 1949-1971*, Paris, Flammarion.

25. Nys, Ernest, 1896, *Etudes de Driot International et de Driot Politique*, Bruxelles et Paris, Ed. A.Cataigne, A. Fontemoing.
26. Parkinsone, F, 1977, *The Philosophy of International Relations: A Study in the History of Thought*, London, Sage Publications, Inc.
27. Rougemont (de) Denis, 1961, *Vingt-huit Siècles de l'Europe*, Paris, Payot.
28. Roy, Olivier, 1987, *"Une Théocratie Constitutionnelle: Les Institutions de la République Islamique d'Iran"*, Politique Etrangère, N.2, Été.
29. Ruysen, T, 1961, *Les Sources Doctrinales de l'Internationalisme*, Paris, P.U.F., t.3.
30. Skocpol Theda, 1985, *Ethats el revolution sociales: la Revolution en France, en Russie, et Chine*, Paris, Fayard.
31. Tocqueville (de), Alexi, 1988, *L'ancien Régime et La Révolution*, Paris, Flammarion.
32. Walt, Stephan M, April, 1992, *"Revolution and War"*, World Politics, 44.

